



دردهایم علیه تو فریاد می‌زنند/همسرآزاری؛ فراموشی عشق در خانه

«من یک زنم و به همان اندازه از هوا سهم دارم که ریه‌های تو» اما نمی‌دانم چرا تو خود را جنس برتر می‌دانی و به من فخر می‌فروشی...

به گزارش خبرگزاری فارس از تبریز، «من یک زنم و به همان اندازه از هوا سهم دارم که ریه‌های تو» اما نمی‌دانم چرا تو خود را جنس برتر می‌دانی و به من فخر می‌فروشی، تو با غرور و خودخواهی‌هایت زندگی مرا تباه کرده و هرروز آزار و اذیت مرا تکرار می‌کنی، تو همسر منی اما از همسر بودن فقط این را می‌دانی انگار مرا خریدهای و من باید در مقابل آزارها و اذیت‌ها، خشونت‌ها و فحاشی‌های تو تاوان زن بودن خودم را پس بدهم؛ مگر نه اینکه زن جلوه زیبای آفرینش است اما تو این زیبایی را زیر پایت له می‌کنی».

هرروز که صفحات حوادث روزنامه‌ها را ورق می‌زنیم، مشاهده می‌کنیم تراژدی تلخ همسرآزاری هر روز تکرار می‌شود و زنانی که دچار خشونت و آزار جسمی، جنسی، عاطفی و روانی همسران خود و سایر مردان قرار می‌گیرند و این موضوع آرامش ذهنی، عاطفی و روانی جامعه را تهدید می‌کند.

کم نیستند زنانی که دردهایشان علیه مردان فریاد می‌زنند و مردانی که در اثر ناهنجاری و آسیب‌های اجتماعی زنان را مورد انواع خشونت‌ها و آزار و اذیت‌ها قرار می‌دهند.

در حالی در قرن 21 زندگی می‌کنیم که می‌پنداریم همه انسان‌ها به بلوغ فکری رسیده‌اند و می‌دانند که هر اختلافی با گفت‌وگو حل‌وفصل می‌شود، اما برخلاف انتظار ما انسان امروز دچار جاهلیت مدرن شده است، مردانی که با اندک بهانه‌ای زنان را به باد کتک و ناسزا می‌گیرند تا برای مدتی هرچند کوتاه آتش برافروخته شده درون خود را آرامش بخشند.

مسئله خشونت علیه زنان موضوعی جدی است که در همین راستا 25 نوامبر از سوی سازمان ملل متحد به خاطر نکوهش خشونت علیه زنان به عنوان «روز جهانی محو خشونت علیه زنان» نامگذاری شده است و این موضوع ناشی از تفکر، ارزش‌های فرهنگی و آموزه‌های مردسالارانه در جامعه جهانی است که زنان را به عنوان جنس دوم و پایین‌تر از مردان نگاه می‌کنند.

سخت است صحبت کردن با زنانی که نامهربانی همسرانشان آنان را از زندگی مشترک دلسرد و ناامید کرده است، زنانی که آزار، اذیت و کتک‌کاری شوهران خود را تنها به واسطه عاطفه مادری و فقط به خاطر فرزندان خود تحمل می‌کنند؛ هرچند آن‌ها از فرط درد برای جلوگیری از رفتار شوهران خود به مراجع قانونی مراجعه می‌کنند تا شاید در اثر قوه قهریه تغییری در رفتار آن‌ها حاصل شود.

هرچند که مدیر روابط عمومی اداره کل پزشکی قانونی از آمار زنانی که در اثر همسرآزاری و ضرب‌وجرح فیزیکی توسط همسر به پزشکی قانونی مراجعه می‌کنند اظهار بی‌اطلاعی کرد و گفت: چنین آماری در اداره کل پزشکی قانونی در دست نیست و ما را به کارشناسان دادگستری ارجاع داد، اما دور از ذهن است و در باور نمی‌گنجد زنانی که هر روز در اثر خشونت‌های فیزیکی شوهران خود به این اداره کل مراجعه می‌کنند در جایی ثبت نشده باشد.

آمار همسرآزاری را از مدیرکل بهزیستی استان آذربایجان شرقی نیز پیگیر و جويا شدیم.

محسن ارشدزاده مدیرکل بهزیستی استان آذربایجان شرقی در گفت‌وگو با خبرنگار فارس در خصوص همسرآزاری گفت: وقتی صحبت از آزرده‌خاطر شدن زوجین به میان می‌آید این بحث‌ها فقط به ضرب‌وجرح فیزیکی اطلاق نمی‌شود.

وی اضافه کرد: همسرآزاری فقط شکنجه یا تنبیه بدنی نیست، بلکه توهین، تحقیر، محرومیت از حقوق قانونی، عدم پرداخت هزینه و ... را می‌توان جزو همسرآزاری اطلاق کرد.

مدیرکل بهزیستی استان آذربایجان شرقی، آمار ثبت شده در خصوص همسرآزاری از ابتدای سال جاری تا پایان تیرماه را 243 مورد اعلام کرد و چنین توضیح داد: در مسئله همسرآزاری و ناراحتی زوجین از یکدیگر، آزار و اذیت منجر به ترک خانه از سوی زنان می‌شود، در بُعد دیگر زنان به صورت حضوری به بهزیستی مراجعه و طرح دعوا می‌کنند یا اینکه به صورت تلفنی موضوع را مطرح کرده و مشاوره تلفنی می‌گیرند و در حالت دیگر نیز با تماس تلفنی خود افراد یا همسایگان، کارشناس مشاور بهزیستی در محل حضور یافته و در اختلاف فی‌مابین مداخله می‌کند.

حوریه خانم یکی از آن بانوان بسیار درد کشیده از دست شوهرش است؛ وی دو ازدواج ناموفق را تجربه کرده و در هر دو ازدواج از دست همسر و خانواده‌اش کتک‌های فراوان خورده و اذیت‌های بسیاری را متحمل شده است.

وی در مورد ازدواج اولش می‌گوید: در کنار همسرم زندگی خوبی داشتیم، اما پس از مدتی سروکله یک زن دیگر در زندگی‌ام پیدا شد، همسرم به من خیانت کرده و رابطه پنهانی با آن زن داشت که پس از مدتی با وی ازدواج کرد، به همین خاطر رفتارش به شدت عوض شده بود و به هر بهانه‌ای مرا به باد کتک می‌گرفت و من تحمل چنین رفتاری از سوی شوهرم را نداشتم و از او جدا شدم.

حوریه خانم ادامه داد: پس از چهار سال با فرد دیگری ازدواج کردم که ای کاش هیچ‌وقت این کار را نمی‌کردم، چراکه هر روز زندگی برایم جهنم است، شوهرم هر ماه حقوق ماهیانه‌ام را می‌گیرد و برای خواهرانش خرج می‌کند.

وی از روزی یاد کرد که دو خواهر شوهرش او را در محل کارش به باد کتک گرفته بودند تا کارت بانکی‌اش را از او بگیرند.

این زن درد کشیده معتقد است که زنان شاغل بیشتر در معرض آزار و اذیت شوهران خود قرار می‌گیرند، چراکه اکنون در زمانه‌ای به سر می‌بریم که خیلی از مردان بی‌کار هستند، صبح تا شب در خانه می‌خوابند و آخر ماه نیز دستمزد زنان را غارت می‌کنند و زنان به جای آن‌ها صبح تا شب در بیرون کار می‌کنند.

مهناز، یکی دیگر از زنان آسیب‌دیده از خشونت همسر خود است، او در اثر کتک‌ها و ضربه‌های شوهرش چشمانش آب‌مروارید پیدا کرده و کم سو شده است.

او می‌گوید: شوهرم اخلاق مناسبی ندارد و بسیار بدبین و شکاک است، به هر بهانه‌ای مرا به باد کتک، فحش و ناسزا می‌گیرد و هر روز زندگی من به جهنمی تبدیل شده است که دلم می‌خواهد هرچه زودتر از آن خلاص شوم.

با یکی دیگر از زنانی هم‌کلام می‌شوم که تمایلی برای ذکر نامش ندارد. کبودی زیر چشم و شکستن استخوان بینی‌اش نتیجه اعتراضی است که به رفتارهای ناهنجار شوهرش داشته است.

او در اثر اعتراض‌های مکرر به رفتارهای وقیحانه شوهرش در دام اعتیاد گرفتار شده است.

وی از آنجایی که نگران آینده فرزندانش بود به رفتارهای شوهرش اعتراض کرده است و شوهرش نیز که توان مخالفت‌ها و اعتراض‌های همسرش را نداشت به طرز ماهرانه و بدون اینکه خودش بخواهد و بداند او را با خود همسو کرده تا از اعتراض‌های زنش در امان باشد.

این زن درد کشیده دیگر نگران آینده فرزندانش خود نیست، چراکه خماری او را از فکر کردن به هر چیزی به غیر از مواد مخدر منع کرده است؛ او دیگر تنها به فکر خماری خود و توهمات است که در پی کشیدن مواد به او دست می‌دهد.

سکینه زمانی پژوهشگر مسائل اجتماعی در خصوص علل و عوامل همسرآزاری معتقد است: همسرآزاری یک پدیده اجتماعی و روانی است که علل و عوامل گوناگونی داشته و ریشه در برخی تعصبات خاص دارد، تعصبات باطلی همچون اینکه جنس مرد قوی‌تر از جنس زن و از او برتر است، اعتقاداتی که زن همیشه باید تابع مرد باشد و مردان بر سرنوشت زنان تسلط دارند و عواملی از این دست.

وی افزود: با توجه به رشد علمی و سطح آگاهی بانوان، این دیدگاه‌ها کمرنگ شده است و زنان همچون گذشته تحت سلطه مردان قرار نمی‌گیرند؛ اما هرچقدر هم که تحول و تغییرات اساسی در جامعه انسانی رخ داده باشد هستند مردانی که همسران خود یا زنان دیگر را مورد آزار و اذیت عاطفی، فیزیکی یا جنسی قرار می‌دهند.

زمانی، بی‌توجهی به احساس، عاطفه و روحیات زنانه را یکی دیگر از ابعاد آزار و اذیت شوهران در مورد زنان دانست و اضافه کرد: در بسیاری از موارد صدمات و لطمه‌هایی که از این طریق بر زنان وارد می‌شود جبران‌ناپذیر نبوده و بسیار بیشتر از خشونت فیزیکی، روحیه زنان را جریحه‌دار می‌کند.

نادیده گرفتن کار و فعالیت‌های زنان در خانه باعث شده مردان به خاطر تأمین درآمد زندگی، خود را برتر از زن و مالک او

دانسته و هرگونه رفتار با او را موجه بدانند.

این پژوهشگر اجتماعی معتقد است: با پیشرفت جامعه با اینکه زنان در بیرون از خانه هم به فعالیت می‌پردازند، اما مجبور به انجام تمامی کارهای منزل هستند و اگر از وظایفشان در خانه کوتاهی کنند، مسبب همه عوامل خواهند بود و این عدم برابری مشکلاتی را به وجود آورده و باعث تنش‌هایی می‌شود.

زمانی ادامه می‌دهد: آگاه‌سازی مردان در جهت رشد فردی و اجتماعی نیز از مواردی است که آنان را به حقوق‌حقوق خود قانع کرده و نگرش‌شان را نسبت به این موضوع تغییر می‌دهد. چراکه اعمال انسان بسته به نوع نگرش اوست.

پژوهشگر مسائل اجتماعی اضافه می‌کند: امید است با مشارکت نهادهای مدنی و اجتماعی در سطح کشور و همچنین در سطح جامعه جهانی روزی بیاید که خشونت علیه زنان مشروعیت نداشته باشد و راهکارهای مفید، مناسب و عملیاتی در جهت جبران این پدیده زشت و نابهنجار اجتماعی گرفته شود.

صحنه تلخی است که در برخی خانواده‌ها مشاهده می‌شود وقتی پدر در خانه همسرش را به باد کتک می‌گیرد و به گونه‌ای رفتار می‌کند که پسر او نیز جرأت پیدا کرده و به هر بهانه‌ای مادر خود را اذیت می‌کند و او را مورد تهاجم فیزیکی قرار می‌دهد.

فریبا خانم بانویی 38 ساله است که رفتار شوهرش در خانه باعث گستاخ پسر بزرگش در خانه شده است، چراکه او علاوه بر کتک خوردن از شوهرش از سوی پسر بزرگش نیز مورد اذیت قرار می‌گیرد.

وی در مورد این رفتار پسرش می‌گوید: رفتار پسرم دقیقاً مثل رفتار شوهرم است وقتی خواسته‌ای از پدرش دارد و او ترتیب اثر نمی‌دهد به سراغ من می‌آید و وقتی من نیز خواسته او را برآورده نمی‌کنم اول مرا مورد فحاشی قرار می‌دهد و سپس شروع به تهدید و کتک زدن می‌کند.

از فرط ناراحتی نمی‌دانم به این زن آسیب‌دیده چه بگویم فقط از رفتار شوهرش می‌پرسم که با پسر خود چه می‌کند؟ در حالی که هاله اشک دور چشمانش را گرفته و بغض گلپوش را می‌فشارد، می‌گوید: انگار شوهرم مرا دشمن خود می‌داند چراکه در مقابل رفتارهای بی‌ادبانه و بی‌حرمتی پسرم هیچ اقدامی نمی‌کند و البته نمی‌تواند هم کاری بکند، چون پسرش دست‌پرورده رفتار هتاکانه خودش است و اگر اعتراضی بکند خودش باید اول اصلاح شود تا بتواند حرفی به پسرش بزند.

سیده محبوبه موسوی جامعه‌شناس فرهنگی در خصوص واکاوی رفتار برخی مردان و رفتارهای خشونت‌آمیز آنان علیه زنان می‌گوید: پدیده خشونت دارای ابعاد گسترده‌ای است که برخی از این رفتارها منشأ روانی و خانوادگی دارند. به عنوان مثال وقتی فرزندان در خانه شاهد دعوا و کشمکش پدر و مادر خود هستند و وقتی پدر دست روی همسر خود بلند می‌کند این رفتار در عین حال که مورد پذیرش فرزندان نیست، اما ناخودآگاه شخصیت مردانه او را شکل می‌دهد تا او نیز در آینده چنین رفتاری داشته باشد.

وی اضافه می‌کند: طبق نتایج پژوهش‌هایی که منتشر شده است می‌توان پذیرفت اعمال خشونت، رفتاری اکتسابی است و خشونت‌های خانگی که شخص در دوران کودکی به عنوان ناظر اولیه شاهد آن بوده و یا خودش قربانی آن خشونت‌ها شده است، پی‌آمدهای سوایی بر آینده وی می‌گذارد و شخص با یادگیری رفتار خشن، آن را از یک نسل به نسل دیگر منتقل می‌کند.

وی افزود: برخی از مردان معتقد هستند که زن جزو دارایی و اموال آنان است و مالک همه‌جانبه زنان هستند، بنابراین در بروز رفتارهای نابهنجار اجتماعی بر علیه آن‌ها جری‌تر شده و زمینه را برای گسترش رفتارهای خشونت‌آمیز فراهم می‌کنند.

از یک سو برخی از مردان خود را جنس برتر می‌دانند و بر این عقیده اند که تمامی احتیاجات زندگی را تامین می‌کنند بنابراین زن هیچ گونه حقی در خانه نداشته و نمی‌تواند اعتراض کند و زنان وقتی که در مقابل رفتارهای نامناسب و ناهنجار شوهران خود اعتراض می‌کنند با رفتارهای سرکوب‌کننده شوهران خود مواجه می‌شوند.

این جامعه‌شناس حوزه فرهنگ و اجتماع ادامه می‌دهد: تجربه زنان و مردانی که با آن‌ها هم‌کلام شده و مورد مشاوره حضوری و تلفنی قرار گرفته‌اند نشان می‌دهد گاهی اوقات دخالت خانواده‌ها نیز بر اختلاف بین همسران دامن می‌زند، زمانی که یک شوهر در اثر تحریک خانواده خود از جمله مادر و خواهر تحت تأثیر قرار می‌گیرد بذل اختلاف بین همسران بیشتر شده و در نهایت به درگیری‌های لفظی و فیزیکی می‌انجامد.

موسوی تبیین می‌کند: در طبقه‌بندی خشونت علیه زنان خشونت تنها به جنبه فیزیکی ماجرا ختم نمی‌شود، بلکه در تقسیم‌بندی خشونت‌ها باید گفت خشونت جنسی علیه زنان توسط همسر یا مردان دیگر نیز روحیه زنان را دچار آسیب‌های جدی می‌کند، چراکه برخی از مردان در اثر دیدن فیلم‌های پورنو دقیقاً به همان شکل خواسته‌های جنسی خود را به طور نامناسب و همراه با خشونت از همسران خود خواستارند و در برخی مواقع اگر این گونه رفتارها واقعی نشود این موضوع نیز به درگیری و مشاجره لفظی بین همسران منجر می‌شود و البته این رفتارها نیز نوعی از همسرآزاری محسوب می‌گردد

موسوی اضافه می‌کند: در بروز خشونت علیه زنان نمی‌توان نقش رسانه را نیز نادیده گرفت، تولیدات خشونت‌آمیز رسانه‌ها و مخصوصاً رسانه تلویزیون بدون شک به بروز رفتارهای مهیج و تحریک‌کننده خشونت‌زا منجر می‌شود این مسئله در اعمال خشونت علیه زنان نیز بی‌تأثیر نیست.

وی تصریح می‌کند: در حال حاضر گسترش ارتباطات و فضای مجازی را باید یکی دیگر از موضوعات اختلاف برانداز در خانواده‌های ایرانی به شمار آورد و به عبارت بهتر باید گفت در جامعه امروزی هرکدام از زنان و مردان هووی دیگری در خانه خود دارند و آن عبارت از فضای مجازی است.

گسترش روزافزون استفاده از نرم‌افزارهای موبایلی موجب شده است که افراد به سادگی در فضایی به غیر از فضای خانه و خانواده سپری کنند، در حالی که جسم فیزیکی آن‌ها در منزل و کنار همسر و فرزندان است، اما در عالم دیگری سپری می‌کنند و این موضوع نیز امنیت روانی خانواده‌های ایرانی را تهدید کرده و آسیب‌زا است.

بنابراین هرکدام از ما اعم از کارشناسان و پژوهشگران حوزه آسیب‌های اجتماعی، رسانه‌ها، نهادهای مدنی و خانوادگی، آموزش و پرورش، پلیس و ... در جایگاه خود باید در شناسایی و شناساندن بسترهای ظهور و گسترش خشونت فعال باشیم و با به‌کارگیری روش‌های مناسب و کارآمد آن را مدیریت کنیم.

گزارش از معصومه درخشان
